

تقسیم مال مشترک و میراث

در فقه و حقوق

www.ketab.ir

مهدی یزدی

یزدی، مهدی، ۱۳۴۷

عنوان و نام پدید آور: تقسیم مال مشترک و میراث / تألیف مهدی یزدی

مشخصات نشر: قم: همراز قلم، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۲۲۸ص، ۱۸×۱۲ سانتی متر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۴۵-۲۰۰-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص [۲۲۸]: همچنین به صورت زیر نویس.

یادداشت: واژگان شناسی: انواع مال مشترک و بیان نوع مشارکت ورثه در ترکه مسائل تقسیم ارث و مال مشترک [زمین] سهم

الارث وارث

یادداشت: چاپ اول: ۱۳۹۳

عنوان دیگر: تقسیم مال مشترک و میراث: در فقه و حقوق

موضوع: روش تقسیم مال مشترک و میراث بر مبنای فقه و حقوق اسلامی

رده بندی کنگره: ۹۳ ۸ ۲۹ ف / BP ۲۳۸/۳۹

رده بندی دیویی: ۹۷۸/۴

«تقسیم مال مشترک و میراث در فقه و حقوق»

نویسنده: مهدی یزدی

ویراستار: سید مجید حسن زاده

ناشر: همراز قلم

نظارت چاپ: رسول نخستین حلم

شمارگان: هنر بلد

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

چاپ: آسمان

بهاء: ۸۰,۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۴۵-۲۰۰-۰

حق چاپ محفوظ است.

مراکز پخش:

قم، خ ارم، پاساژ قدس، طبقه پنجم، انتشارات ادبا

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۲۰۲۹

نشر حلم: قم، خ معلم، ک ۱۰، پ ۳۹/۱

تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۳۱۷۰۴

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۰
------------	----

بخش اول کلیات و مفاهیم

فصل اول ویژگیان شناسی لغوی و اصطلاحی.....	۱۷
معنای لغوی قسمت.....	۱۷
قسمت در اصطلاح فقهی.....	۱۹
شرکت در لغت و اصطلاح.....	۲۲
اشاعه در لغت.....	۲۲
ترکه و میراث در لغت و اصطلاح.....	۲۲
میراث.....	۲۳
مال در لغت و اصطلاح.....	۲۳
فصل دوم انواع شرکت و بیان نوع مشارکت ورثه در ترکه.....	۲۵
گفتار اول: در انواع شرکت.....	۲۵
گفتار دوم: در بیان نوع شراکت ورثه در ترکه.....	۲۸
فصل سوم انواع تقسیم.....	۲۹
تقسیم به اعتبار متعلق شرکت.....	۲۹
تقسیم برخی اموال یا تمام اموال.....	۳۲
تقسیم سهم بعضی از شرکا یا همه آنان.....	۳۴
تقسیم تراضی یا اجباری.....	۳۶

- ۳۸ تعریف فقهی قسمت تراضی و اجبار
- ۳۹ بیان مجاری تقسیم تراضی و اجباری

بخش دوم ادله و نظرات فقها

- ۴۹ فصل اول ادله جواز تقسیم
- ۵۰ آیات
- ۵۲ روایات
- ۶۱ فصل دوم نظرات و اقوال فقها
- ۶۷ فصل سوم بیان نتیجه اقوال
- ۶۷ ثمره اول
- ۶۷ ثمره دوم
- ۶۸ ثمره سوم
- ۶۸ ثمره چهارم
- ۶۸ اشکال بر ثمره چهارم
- ۶۹ پاسخ اشکال ثمره چهارم
- ۷۳ ثمره پنجم
- ۷۵ ثمره ششم

بخش سوم تطبیق کاربردی قواعد تقسیم

- ۷۹ فصل اول تقسیم اموال قابل تقسیم
- ۷۹ مبحث اول: تعدیل سهام
- ۸۰ معنی تعدیل
- ۸۶ روشهای سه گانه تعدیل و مجاری آن
- ۹۱ مثالهای تعدیل
- ۹۲ مثالهای کسر مشاع

۹۳	مثالهایی بر مبنای ۲۴۰ سهم
۹۴	مثالهایی بر مبنای درصد
۹۵	مبحث دوم: قرعه
۹۹	روش قرعه زدن در صورت تساوی یا اختلاف سهام
۱۰۶	اعتبار نتیجه قرعه پس از قرعه کشی
۱۱۳	فصل دوم تقسیم منفعت و موارد لزوم مهیایات
۱۲۰	۱. بیع منفعت
۱۲۱	۲. مسئله تقسیم آب
۱۲۷	فصل سوم حکم اموال غیر قابل تقسیم و بررسی حقوقی مزایده

بخش چهارم مسائل تقسیم

۱۳۷	فصل اول موارد نقض تقسیم
۱۳۷	اشتباه در تقسیم و بیان حکم اقاله تقسیم
۱۴۴	اقاله
۱۴۷	استحقاق غیر و کشف عیب بعد از تقسیم
۱۴۷	الف. مال معین
۱۴۸	ب. مال مشاع
۱۵۲	ظهور دین یا وصیت بعد از تقسیم
۱۶۱	فصل دوم افزاز وقف از ملک طلق
۱۶۹	فصل سوم تقسیم بنای چند طبقه بین وراثت یا شرکا از دیدگاه فقه و حقوق
۱۷۵	فصل چهارم تقسیم اراضی و محصولات کشاورزی
۱۷۵	تقسیم زمین فاقد زرع و درخت (قراح)
۱۷۶	تقسیم محصول چیده شده اعم از میوه یا حبوبات
۱۷۶	تقسیم زمین مشتمل بر زراعت (مزرعه)
۱۷۷	بذر

۱۷۷	قصیل
۱۷۸	سُنبل
۱۸۰	تقسیم زمین مشتمل بر درخت (باغ)
۱۸۱	حکم ارث زوجه از چاه و قنات
۱۸۳	فصل پنجم تقسیم در صورت فوت برخی ورثه قبل از تقسیم
۱۸۷	فصل ششم تقسیم در صورت فقدان مورث یا وارث
۱۸۷	فرع اول: تقسیم میراث در صورت مفقود بودن مورث
۱۸۸	الف. از منظر شرعی
۱۹۰	ب. از نظر قانونی
۱۹۲	فرع دوم: تقسیم میراث میت در صورت مفقود بودن برخی ورثه

خاتمه

۱۹۷	بیان سهم الارث طبقه اول ارث (موضوع ماده ۳۷۳ قانون امور حسبی)
۱۹۸	فرزندان
۲۰۰	والدین
۲۰۱	یک دختر
۲۰۵	چند دختر (دو نفر یا بیشتر)
۲۰۷	متفرقه
۲۰۹	مالکیت ما فی الذمه (موضوع ماده ۳۰۰ قانون مدنی)
۲۱۷	نحوه توارث در مرگهای جمعی (موضوع ماده ۸۷۳ قانون مدنی)
۲۲۵	فهرست منابع

بسم الله الرحمن الرحيم

«الحمد لله الحنان بفوائد النعم و عوائد المزيد و القسم الذى قسم المعاش بين
عباده بالحكمة و جعل لكل مخلوق حظاً و نصيباً من النعمة و صلى الله على سيدنا و
نبيّنا محمّد و على آله الطاهرين لاسيما بقية الله فى الارضين و لعنة الله على
اعدائهم الى يوم الدين.»

www.ketab11

مقدمه

روابط بازرگانی و تجاری میان افراد در مواردی منتهی به شرکت در مال یا منفعتی می‌گردد. انگیزهٔ تحصیل سود و درآمد بالاتر که در بسیاری موارد مستلزم تملک اموال و سرمایهٔ بیشتر است و عدم بضاعت مالی افراد به تنهایی، معمولاً باعث مشارکت گروهی می‌شود.

اینگونه مشارکت‌ها اختیاری است و در بسیاری موارد پس از سپری شدن زمانی نه چندان طولانی، شرکت تصمیم به جدایی و افراز سهم خود می‌گیرند و در این حال، بروز اختلافات مالی، این انگیزه را تشدید می‌کند. از نظر شرعی حق هر شریکی است که هر زمان تصمیم گرفت، طلع شرکت کند؛ اما بسیاری از شرکتها، منشأ اختیاری ندارند؛ مانند مشارکت قهری ورثه در میراث به جای مانده از مورث.

در مشارکتهای غیر اختیاری یا قهری، انگیزه برای جدا سازی سهم و افراز سهم اختصاصی، بیشتر از مشارکتهای اختیاری است و از طرف دیگر، در صورت تعدد ورثه، تعلق ما ترک به آنان، به طور مشاع است و تا زمانی که تقسیم صورت نگیرد، هیچ یک بدون اذن و رضایت دیگران، حق تصرف ندارد. ازالهٔ این اشتراک و انحلال این اشاعه (در صورتی که بنا بر اغماض و بخشش نباشد و قصد استیفای حق و اخذ سهم هر شریک باشد) راهی جز تقسیم ندارد.^۱ تحصیل مالکیت خصوصی و انحصاری، مطلوب هر کس می‌باشد؛ مگر آن که منافع دیگری در شرکت باشد که در افراز نباشد.

موضوع بحث، بیان روش تقسیم اموال مشترک است؛ موضوعی که در قسمت شرکت غیر اختیاری (در ترکه)، مورد نیاز خانواده‌های زیادی است و با وجود آگاهی از سهم شرعی هر وارث، آنان در عمل از تقسیم اموال موجود به جهات مختلف مانند مخالفت و ممانعت

۱. و لا تبدل الملكية الاشتراكية بالملكية الاختصاصية الا بالقسمة (سید ابوالقاسم خویی، مبانی العروة الوثقی، ج ۳،

برخی از ورثه عاجز مانده‌اند و برای برخی از ورثه، دسترسی به سهم خود، با گذشت سال‌ها از مرگ مورث، همچون آرزویی، دست نیافتنی شده است.

مجرد علم و آگاهی از سهام تعیین شده در بحث ارث، کافی در تقسیم نمی‌باشد؛ بلکه آگاهی از آن، جزء صورت مسئله است و نه حل آن. این که یک باغ یا یک دستگاه آپارتمان یا یک خودرو و به طور کلی اموال یک میت چگونه می‌بایست بین وارثان وی، مثلاً یک برادر و یک خواهر به سه قسمت تقسیم شوند و یکی ثلث و دیگری دو ثلث ببرد، از مباحث اصلی این کتاب است که اصولاً در مباحث فقهی مربوط به ارث، به چگونگی این تقسیم، اشاره نمی‌شود.

شناخت قواعد تقسیم و به کارگیری آنها چه بسا شرکا و ورثه را از مراجعه به محاکم، بی‌نیاز کند. مباحث مربوط به برش تقسیم اموال مشترک در کتابهای فقهی، معمولاً در پایان کتاب قضا و یا بعد از آن ذکر شده است و برخی از فقها هم در ضمن کتاب شرکت، آن را طرح کرده‌اند و برخی دیگر، مانند محقق^۱ در شرایع، در هر دو قسمت شرکت و قضا، این مباحث را مورد بررسی قرار داده است و شریع^۲ شرایع از قبیل مسالک و جواهر هم به پیروی از آن، این موضوع را در هر دو کتاب بحث نموده‌اند. با این حال، تناسب حکم و موضوع مقتضی طرح این مباحث در کتاب شرکت می‌باشد.

اهمیت تقسیم صحیح میراث را در کاهش اختلاف و نزاع و پیشگیری از قطع صلۀ رحم، که گاه ریشه در مطالبۀ سهم الارث دارد، می‌توان ارزیابی نمود.

فایده اصلی تقسیم، تحصیل سهم اختصاصی است. بقای اشاعه و استمرار شرکت، خصوصاً در میان ورثه و بالاخص اگر زمان مدیدی از مرگ مورث سپری شده باشد، زمینه‌ای برای اجحاف در حق برخی از ورثه را پدید می‌آورد.

خداوند متعال از قول حضرت داود علیہ السلام می‌فرماید:

«وَإِنْ كَثُرَ مِنَ الْخُلَطاءِ لِيُنْفِىْ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ»^۱

و هر آینه بسیاری از شریکان، به یکدیگر ستم می‌کنند؛ مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند و عده آنان کم است.

مراد از خلطاء در آیه، شرکاء هم می‌تواند باشد و خلط در اموال و شرکت می‌تواند زمینه‌ای برای بغی و ظلم باشد. برخی وراثت با غصب و تصرف سهم دیگران، موجبات این تعدی و ظلم مالی را فراهم می‌کنند و نتیجه آن هم معمولاً اختلافات عمیق فامیلی است که بین خویشان نزدیک، مانند برادران و خواهران و... پدید می‌آید. تقسیم مال مشترک، موجب رسیدن حق به صاحب حق است و هر شریک یا وارثی از این طریق به سهم اختصاصی خویش از اموال مشترک یا موروثی دست می‌یابد و حتی اگر هیچ اختلافی هم نباشد، این نتیجه بسیار با ارزش است. زمانی ارزش و فایده تقسیم روشن‌تر می‌شود که بدانیم فقها تصرف در مال مشاع را قبل از تقسیم، بدون اذن سایر شرکا جائز نمی‌دانند و آن را در حکم عصب می‌دانند.

محقق حلی در شرایع می‌نویسد:

«در مال مشترک، هیچ یک از شرکا، مجاز به تصرف نیستند؛ مگر با اذن سایرین؛ پس اگر اجازه تصرف به یکی دادند، فقط او تصرف می‌کند؛ آن هم به همان کیفیتی که به او اجازه داده شده؛ اگر اجازه، مطلق و بدون قید بود، به هر ترتیبی که خواست، تصرف می‌کند... و هر کدام که اذن در تصرف به دیگری داده، می‌تواند از اذن خود رجوع کرده، درخواست تقسیم کند.»^۱

در مختصر النافع هم آمده است:

«در صورت امتزاج و مشارکت، هیچ یک از شرکا، بدون اجازه بقیه، حق تصرف ندارند.»^۲

۱. وإذا اشترک المال لم یجز لاحدالشركاء التصرف فيه الا مع اذن الباقيين فان حصل الاذن لاحدهم تصرف هو دون الباقيين و يقتصر من التصرف على ما اذن له فان اطلق الاذن تصرف كيف شاء... و لكل من الشركاء الرجوع في الاذن و المطالبة بالقسمة (شرايع، چاپ سنگی، كتاب شركت، ص ۱۳۲).

۲. و مع الامتزاج ليس لاحد الشركاء التصرف الا مع الاذن من الباقيين (مختصر النافع، كتاب شركت، ص ۱۷۳).

امام خمینی رحمته الله علیه در پاسخ سؤالی در باره ضرورت تصرف یکی از ورثه در منزل موروثی، بدون اذن سایرین، می نویسد:

«تصرف در مال مشترک، باید با اجازه همه شرکا باشد و بدون اجازه، غصب و موجب ضمان اجرت المثل است.»^۱

آیه الله گلپایگانی رحمته الله علیه هم در پاسخ به سؤالی در همین خصوص می نویسد:

«اولاد ذکور، بدون رضایت اولاد اناث، نمی توانند در خانه مشترک تصرف نمایند و تصرف در مال مشترک، بدون رضایت شریک، جائز نیست.»^۲

بنابراین، مهم ترین ثمره تقسیم، دسترسی و تحصیل سهم اختصاصی برای هر وارث می باشد؛ به گونه ای که آنان بعد از تحقق تقسیم، مجاز به هر گونه دخل و تصرف، بدون نیاز به اذن و اجازه ای باشند. معرفت و شناخت راه صحیح و شرعی تقسیم، در صورت مخالفت برخی ورثه، به ذی حق برای دستیابی به این مهم، کمک می کند. مراجعه به محاکم برای تقسیم ارث، صرف نظر از این که مشکلات خاص خود را دارد، در بسیاری از موارد، راه گشا نیست و این امر هم ریشه در نقص قوانین مربوط به تقسیم دارد. قانون مدنی در بحث تقسیم مال مشترک (خواه منشأ آن ارث باشد یا غیر آن) و قانون امور مدنی، در بحث تقسیم ترکه، هیچ گونه روش عملی برای تقسیم ذکر نکرده اند و قضات دادگاه ها بر اساس ماده سوم قانون آیین دادرسی مدنی که مقرر می دارد در صورت سکوت قانون با رجوع به فقه و فتاوی معتبر، حکم مقتضی صادر و فصل خصومت گردد، عمل می نمایند.

در این نوشتار سعی شده تا ضمن به کارگیری تجارب قضایی در رسیدگی به پرونده های متعدد تقسیم ترکه یا مطالبه سهم الارث، با استناد به منابع اولیه فقهی، قواعد تقسیم شرح و توضیح داده شوند و به تناسب، مواد قانونی مرتبط ذکر خواهد شد. این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و چهار بخش اصلی و خاتمه می باشد.

۱. استفتانات، ج ۲، بحث شرکت، (ص ۲۴۲) سوال ۴.

۲. مجمع المسائل، ج ۲، احکام شرکت، ص ۷۵، سوال ۱۸۳ و ۱۸۴.

بخش اول، اختصاص به امور نظری دارد که شامل واژگان شناسی، بیان انواع شرکت و انواع تقسیم است.

بخش دوم، پیرامون ادله جواز تقسیم شامل آیات و روایات و همچنین بیان نظرات و اقوال فقهاست.

بخش سوم، مربوط به روش عملی و کاربردی تقسیم است که طی سه فصل بیان خواهد شد؛ فصل اول در خصوص تعدیل سهام و معنی تعدیل است که شامل روش های سه گانه تعدیل و مجاری آنها و مثال هایی از تعدیل با کسر مشاع و درصد و عدد مبنای ثبتي (دویست و چهل) و هم چنین روش صحیح قرعه در دو صورت تساوی سهام یا اختلاف سهام و بیان اعتبار نتیجه قرعه خواهد بود. فصل دوم، روش تقسیم منفعت و بیان موارد لزوم مهابیات است و فصل سوم، شامل حکم اموال غیر قابل تقسیم و بررسی حقوقی مزایده آن است.

بخش چهارم، حاوی مسائل مورد نیاز و مورد ابتلای تقسیم است؛ مانند حکم اشتباه در قسمت، اقاله قسمت، استحقاق غیر بعد از تقسیم یا ظهور دین یا وصیت پس از تقسیم، قسمت وقف از ملک، تقسیم نای چند طبقه، روش تقسیم محصولات و اراضی زراعی، تقسیم با وجود صغیر و تقسیم در صورت فقدان مورث یا وارث که این مسائل از دیدگاه فقه و حقوق مورد بررسی قرار می گیرند.

در خاتمه کتاب هم سه بحث مستقل و در عین حال مرتبط با تقسیم راجع به سهم الارث طبقه اول ارث، مالکیت ما فی الذمه و نحوه توارث در مرثیهای جمعی مطرح خواهد شد. بنابراین، نوشته حاضر، بحثی است متمرکز در خصوص تقسیم مال مشترک و ترکه و روش صحیح تقسیم بین شرکا و مستند اصلی در مباحث آن، متون فقهی است. علاوه بر این، مباحث حقوقی و قانونی مرتبط هم مورد بحث قرار گرفته اند. امید است که مورد رضایت حق تعالی قرار گیرد.